

اُخود شناسی

ابوالفضل مقصودی



سرشناسه	مقصودی، ابوالفضل، ۱۳۲۴
عنوان و نام پدیدآور	خودشناسی
مشخصات نشر	بجنورد: درج سخن، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۷۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۳-۳۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	فهرست مختصر
یادداشت	این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۶۴۶۵۴

خودشناسی

ابوالفضل مقصودی

ویراستاری، صفحه‌آرایی و طراحی جلد: انتشارات درج سخن

خوشنویسی: خلیل رحمتی بجنوردی

چاپ و صحافی: مهتاب

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴ - قیمت: ۵۰۰۰ ریال

۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۳-۳۴-۳



Dorjesokhan@gmail.com

۰۹۳۳۱۸۴۲۵۴۸ و ۰۹۱۵۱۸۴۲۲۴۸

خراسان شمالی، بجنورد، خیابان استقلال، کوچه شهید نوریان، پلاک ۱۴

فهرست

مقدمه	۹
حکمت خلقت	۱۰
مجسمه طلائی	۱۹
اصول ده ماده ای راهنمایی و ارشاد کردن	۵۱
مرد دانا	۵۹
دعا و نیایش	۶۹

www.ketab.ir

شرح حال نویسنده

اینک که از نوشتن اولین کتابم به نام «دفتر مشق زندگی» چند سالی می‌گذرد و برگه‌های تقویم زندگی من می‌روند تا رقم هفتاد را نشان دهند؛ به دلیل برخی ناتوانی‌های جسمی، شغل دوم بعد از بازنشستگی را رها کرده‌ام. من و همسرم دوباره برگشته‌ایم به روزهای نخست زندگی مشترک، شده‌ایم اثیری و موسیقی تنهایی یکدیگر، شده‌ایم راویان و مرورکنندگان قصه‌های زندگی و شده‌ایم مادر بزرگ و مادر بزرگ. فرزندانمان، این میوه‌های زندگی، به لطف خداوند هر یک زندگی جداگانه‌ای را تشکیل داده‌اند و در بوستان خود صاحب میوه‌های گل شده‌اند و انشاء الله خواهند شد.

عروس و دامادها که هر یک از بامی پریدند و بر بام زندگی ما نشستند، منت خدای را که اینک هر کدام خود صاحب آشیانه‌ای و بامی و بری شده‌اند.

ما که قبلاً دل در گرو فرزندانمان داشتیم، اینک چشم بر جمال نوادگان داریم که هم دل و هم عشق را از ما ربوده‌اند و اکنون نفس‌های آن‌ها برای ما ممد حیات است و کلام زیبای آن‌ها مفرح ذات. و حالا در سایه لطف خداوند بر سایه‌سار شجره زندگی آرمیده‌ایم و دست نیایش به درگاهش آویخته‌ایم.

سه چهار سالی می‌شود که خودم را برای بار دوم بازنشسته کرده‌ام. با اینکه در سلامتی ما نقصانی ایجاد شده، لیکن فرصت خوبی دست داده است تا ولو لنگ‌لنگان هم که شده، به اتفاق همسر به مسافرت‌های زیارتی و سیاحتی می‌رویم و از مواهب معنوی و نعمت‌های طبیعی آن‌ها لذت می‌بریم.



هر از چند گاهی وقت را غنیمت دانسته به صله رحم می‌روییم و یا در
سرای خود پذیرای عزیزانمان می‌شویم و ضمن احساس شادی و شمع از
این دیدارها، این بیت را زمزمه می‌کنیم که:

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم

گاهی نیز در این مجال‌ها و فرصت‌های به دست آمده که با خود
خلوت می‌کنم یک حس درونی پرسشگر مرا به خود می‌آورد که:

روزها فکر من نیست و همه شب سختم که چرا غافل از احوال دل خویشتم؟
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

و الی آخر ...

آنگاه تسلیم گونه از خود می‌پرسم که به راستی آیا من توانسته‌ام در
حد خودم به جهانی که در آن زندگی می‌کنم شناخت داشته باشم؟ و آیا
حداقل خودم را شناخته‌ام؟ زیرا که می‌گویند هر کس که خودش را
بشناسد، خدای خود را نیز خواهد شناخت. از طرفی می‌دانم که در جهان،
ناشناخته‌ها بسیارند و شاید هم مانند آن فیلسوف بعد از هفتاد و اندی سال
بنویسم همی‌دانم که هیچ ندانم؟ اما بسیار حایلم که از این باغ معرفت
میوه‌ای بچینم و از این بحر طویل جرعه‌ای بیاشامم.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی بتوان کشید

پس می‌روم تا بپویم و بجویم و انشاءالله این یوسف گم‌گشته‌ی درون
را بیابم. باشد تا در خلوتگاه خود با خویشتن خویش هم زبان شوم تا هر
دوی‌مان از غربت به درآییم و یکی شویم و با معرفتی افزون‌تر سر تعظیم بر
درگاه آن احد واحد فرود آوریم، انشاءالله.

ابوالفضل مقصودی



مقدمه

خودشناسی یا معرفت به خود، واژه‌ایست که گاهی در گفتگوها به کار می‌بریم ولی اغلب به عمق معنای آن نمی‌اندیشیم و با سطحی‌نگری و کم‌اعتنائی از کنار آن گذر می‌کنیم. در صورتی که (معرفت) کلمه‌ایست پرمغز و پرمعنی، به خصوص در به‌کارگیری این واژه نسبت به خود و خودشناسی که اگر باز شود و به آن توجه نمائیم، موجب شناخت و آگاهی عمیق در موضوع می‌گردد که این‌گونه شناخت و آگاهی نیز خود عامل بسیار مؤثری در ایجاد رابطه‌ی پایدار بین فرد و خود درونی‌اش می‌شود.

از سوی دیگر برای برخوردار شدن بیشتر از راز و رمز آفرینش در وجود خودمان و همچنین در خصوص نظام هر یک از ارگان‌های بدن، لازم است هر انسان جستجوگر سعی کند تا نسبت به آن‌ها شناخت و معرفت پیدا کند و این دانستگی و معرفت را نیز به همهی انسان‌های دیگر تعمیم دهد.

لذا قبل از هر چیز برای یک انسان پویا و جویا، اولین و ضروری‌ترین گام در این طریق (خودشناسی) است تا به وسیله آن دریابد که در خلقت انسان چنان حکمت و توانایی‌هایی به کار رفته است که می‌توان آن را نمونه‌ی کوچکی از خلقت کل جهان هستی دانست. بدان معنی که هرگاه ما بتوانیم خودمان را به خوبی بشناسیم، می‌توانیم بگوییم که هم جهان و هم خالق آن را شناخته‌ایم. البته این‌گونه شناخت که می‌تواند نسبی هم باشد، بسیار جامع و گسترده خواهد بود که کسب و ضبط آن هم در همهی ابعاد نیاز به تلاش مستمر و همه‌جانبه دارد تا بتوانیم بخشی از اسرار درونی و احوال بیرونی خود را کشف کنیم و از آن‌ها استفاده نماییم.

لذا در این کتاب سعی می‌شود تا در حد توان با پرداختن به یک سلسله مطالب و دلایل و شواهد گامی هر چند کوچک در امر خودشناسی برداشته شود. انشاء الله